

مهاجری:

با «بی‌حجاب» برخورد می‌کنید یا با «بی‌حجابی»؟

جناب آقای رادان را دعوت می‌کنم با لباس شخصی همراه خانواده خود در نقاط مختلف شهر تردد کنند و درد دل‌های خانواده‌های متدین را که از برخورد نامتعارف پلیس با مقوله بی‌حجابی گله‌مندند بشنوند. قطعاً در تصمیم‌شان مبنی بر اینکه برخورد با بی‌حجابی مهم‌تر است، یا مقابله با بی‌حجاب رجحان دارد، موثر خواهد بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد مهاجری در یادداشتی نوشت: این مطلب را در کمال اکراه می‌نویسم زیرا به عنوان یک معتقد و ملتزم به حجاب تمایل ندارم نوشته‌ام همسو با مخالفان این حکم تلقی شود اما آنچه وادارم می‌کند بنویسم نگرانی عمیق از این موضوع است که اظهارات و عملکرد برخی مسوولان در زمینه مقابله با بی‌حجابی را دقیقاً دارای نتیجه عکس پیش‌بینی می‌کنم و تصورم آن است که همچون مواردی که به آن اشاره خواهم کرد، نه تنها به با حجاب کردن و دیندار کردن جامعه کمکی نمی‌شود، که باحجاب‌ها را نیز در اراده و تصمیم‌شان متزلزل می‌کند.

سردار رادان فرمانده محترم نیروی انتظامی مدتی پیش تاکید کرد که مقوله حجاب، کاملاً فرهنگی- اجتماعی است و نه امنیتی. این سخن درست او، اما در ادامه هیچ راه‌حلی جز برخورد پلیسی نمی‌یابد. اساساً ما عادت داریم هر موضوع فرهنگی یا اجتماعی را تبدیل به کیس سیاسی کنیم. وقتی این مقوله سیاسی شد، ظرفیت امنیتی شدن پیدا می‌کند و بعد از آن هم معلوم است چه اتفاقی رخ می‌دهد. مدتی قشون‌کشی و دعوا و جنگ برپا می‌شود؛ دایره بحران گسترش می‌یابد؛ فاجعه‌ای خلق می‌شود؛ بگیر و ببند راه می‌افتد؛ جامعه به اوج التهاب می‌رسد ... و نهایتاً زخمی ناسور بر تن جامعه می‌ماند. ظاهر اوضاع آرام می‌شود و آتشی که برافروخته شد، برای مدتی زیر خاکستر می‌ماند و در انتظار فرصتی دیگر برای غائله‌ای دیگر روزشماری خواهیم کرد.

در سال ۱۳۵۸ موضوع موادمخدر، مساله‌ای جدی بود. مرحوم صادق خلخالی افتاد به جان قاچاقچی‌های مواد مخدر و احکام اعدام و حبس‌های طویل‌المدت که از پس یکدیگر صادر و اجرا می‌شد. اهمیت موضوع آنقدر بالا بود که پرونده‌های موادمخدر در دادگاه انقلاب (و نه دادگاه عمومی) رسیدگی می‌شد. هنوز هم همین است. نتیجه‌اش چه شد؟ مواد مخدر جمع شد؟ تعداد معتادها کاهش یافت؟ الان وضع اعتیاد در جامعه مطلوب است؟ هشدارهایی که پلیس در مورد کاهش سن اعتیاد و فراگیری آن می‌دهد، می‌بینید و می‌شنوید؟ همه‌چیز گویای آن است که قلع و قمع‌های آن روزگار نتیجه‌اش بسیار کمتر از هزینه‌اش بوده.

ممکن است عده‌ای بگویند اگر همین برخوردها نبود، الان وضعیت‌مان بسیار بدتر از این بود. این از آن شبه استدلال‌هایی است که فقط مطرح‌کنندگان را فریب می‌دهد و روش‌های بی‌نتیجه قبلی را توجیه می‌کند. برخورد با ماهواره و جمع‌آوری دیش‌ها نمونه بعدی است. مگر ماموران از در و دیوار خانه‌های مردم بالا نرفتند؟ مگر با راپل به روی بام خانه‌ها فرود نیامدند؟ نتیجه چه شد؟ این دیگر مانند مورد قبلی نیست که بگویند اگر برخورد نمی‌کردیم الان وضعیت بدتر بود.

اتفاقاً افزایش روز افزون ماهواره‌ها ثابت کرد آن هجوم‌ها نه تنها هیچ سودی نداشت که پلیس و تصمیم‌گیران را از چشم مردم انداخت. و امروز درصد استفاده‌کنندگان از ماهواره بر همه عیان است. نتیجه آنکه در دو مقوله موادمخدر و ماهواره، با همه تصمیمات شدید، نتیجه دلخواه عاید کشور نشد. در موضوع حجاب نیز چنددهه است روش‌های مختلف انتظامی تجربه شده و باز هم نتیجه معلوم است. اگر آنگونه که آقای رادان می‌گوید، این موضوع، فرهنگی و اجتماعی است، چرا با وارد کردن پلیس، نتیجه محتوم گذشته را به جان می‌خرد و تجربه شکست خورده را تکرار می‌کند؟ پرسشی که فرمانده محترم پلیس باید به آن پاسخ دهد اینکه در گشت ارشاد (و اخیراً طرح نور) می‌خواهند با چه چیز مقابله کنند؟ با «بی‌حجاب» یا «بی‌حجابی»؟ قاعدتاً آنچه را پلیس مامور اجرای آن است برخورد با بانوان بی‌حجاب است.

به عبارت دقیق‌تر، پلیس با همه توان خود وارد شده تا با معلول مقابله کند و کاری به علت ندارد. خب محصول این کار چیست؟ به خانمی تذکر داده می‌شود. او شال یا روسری‌اش را کمی بالاتر می‌آورد و وقتی از جلوی پلیس رد شد دوباره همان تیپ قبلی مشاهده می‌شود. آیا این همه قانون و مقررات و توصیه و مباحثه و اطلاعیه، برای این است که بانوان فقط جلوی چشم پلیس باحجاب باشند؟ حتی در قانون بعدی که اگر به تصویب شورای نگهبان برسد، خانم‌ها باید در برابر دوربین‌های متعدد، باحجاب باشند و هر جا دوربین و مامور نبود آزادند.

خودمان را جای ماموران پلیس و حتی نیروهای آمر به معروف که وظیفه تذکر به بی‌حجاب‌ها را دارند بگذاریم.

آیا وقتی می‌بینیم تذکرمان فقط برای چندثانیه فایده دارد و یک خانم بی‌حجاب ۵۰ متر آنطرف‌تر، کار خودش را می‌کند، فرسوده نمی‌شویم؟ حس «سر کار بودن» پیدا نمی‌کنیم؟ دلیلش این است که همه مسوولان، در درک موضوع دچار ساده‌اندیشی‌اند و پدیده بی‌حجاب و بی‌حجابی را از هم جدا می‌دانند. و لابد می‌گویند چون برای دومی کاری نمی‌کنیم لاقلاً جلوی اولی را بگیریم. مجدداً برمی‌گردم به مثال موادمخدر. در همان سال‌های پرحرارت، چه بسیار معتادانی که به زندان و جریمه و... محکوم شدند اما دیری نگذشت که با اختراع جمله «معتاد بیمار است، نه مجرم» از همه افعال گذشته دست کشیدیم.

کوتاه سخن آنکه تا وقتی مثل نماینده بی‌تربیت اصفهان در مجلس، بی‌حجابی را پیش درآمد جرایم جنسی زشت، ترسیم می‌کنیم و برای پوشیدن جامه عفت برجامعه برنامه نداریم، ناگزیریم دست به دامان پلیس شویم.

جناب آقای رادان را دعوت می‌کنم با لباس شخصی همراه خانواده محجبه خود در نقاط مختلف شهر تردد کنند و درددل‌های خانواده‌های متدین را که از برخورد نامتعارف پلیس با مقوله بی‌حجابی گله‌مندند بشنوند. قطعا در تصمیم‌شان مبنی بر اینکه برخورد با بی‌حجابی مهم‌تر است، یا مقابله با بی‌حجاب رجحان دارد، موثر خواهد بود.